



| ۱۲۲ |

تحلیلی بر مبانی علامه سنقری حائری
دکتر محمد فراهانی / دکتر فریدون محمدی فام / دکتر سید مجید نبوی
علمی-پژوهشی
فصلنامهٔ تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شماره ۷۶ «وینزهٔ پژوهش‌های حدیثی»، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۲۲-۱۴۴

تحلیلی بر مبانی علامه سنقری حائری در ردنظریه کشف حجاب مخدرات امام حسین علیه السلام بعد از عاشورا

دکتر محمد فراهانی^۱ / دکتر فریدون محمدی فام^۲ / دکتر سید مجید نبوی^۳

چکیده:

این مقاله تحلیل و نقدی است بر نظریه کشف حجاب مخدرات اهل بیت امام حسین علیه السلام در رساله العاصمیه که علامه شیخ محمد علی سنقری حائری در سال ۱۳۲۷ق به پایان رسانده است. علامه سنقری در این رساله به نقد و بررسی روایات ابی مخنف، شیخ صدق، شیخ مفید، سید بن طاووس و علامه مجلسی مربوط به ربدون حجاب زنان اهل حرم کربلا می‌پردازد و کشف شعور بنات الرسول ﷺ را محال و با غیرت، حکمت و شریعت الهی و عصمت حضرت زینب علیها السلام معارض دانسته و دلایلی چون: آماده بودن اهل بیت امام علیه السلام برای اسارت و جدا کردن حلل و زیور از خود، مانعیت هیبت و سطوت زینب کبری علیها السلام از این امر و اقامه شواهدی بر روپوش داشتن کجاوه‌های آل الله را دال بر عدم تمکین اجانب از دیدن وجه و شعر پر دگیان عصمت و رسالت، دانسته است. در این پژوهش سعی شده، پس از بررسی سندي روایات مشتمل بر کشف رأس بنات رسول الله ﷺ، ادله عقلی و ادله نقلی این دسته از روایات، نقادی گردیده، سپس معنای لغوی اسباب حجاب آل الله و معنای مجازی و کنایی تعابیر مفید چهره گشایی اهل حرم امام حسین علیه السلام، مورد کند و کاش و درنتیجه، نظریه‌ی علامه سنقری حائری، مبنی بر عدم امکان کشف رأس، مورد تایید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، عاشورا، کربلا، مخدرات، کشف حجاب، غارت خیام

۱. استادیار سازمان بسیج مستضعفین مدیر تعلیم و تربیت، سازمان بسیج مستضعفین مدیر تعلیم و تربیت.

۲. سایر جهاد دانشگاهی، جهاد دانشگاهی.

۳. دبیرگروه قرآن و حدیث سازمان سمت.



۱. مقدمه

بر مبنای آنچه که از روایات و اخبار رسیده از آل محمد ﷺ به دست می‌آید، بعد از ادای واجبات، هیچ عملی در عظمت و شرافت به پایه‌ی احیای امر اهل بیت علیهم السلام خصوصاً اقامه‌ی عزای ابا عبدالله الحسین علیهم السلام نمی‌رسد؛ چنانکه حضرات معصومین علیهم السلام خود، بنیانگذار این امر بوده و بر آن اهتمام و تأکید داشته‌اند و در تاریخ، نوحه سرایی، توصیه به اقامه‌ی عزای سید الشهداء علیهم السلام و ذکراهمیت و ثواب آن توسط پیامبر اکرم ﷺ (خوارزمی)، (ابن ۱۳۸۱، ۱: ۲۳۹)، امیر المؤمنین علیهم السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۵۹۷-۵۹۸)، حضرت زهرا علیهم السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴: ۶۳)، امام حسن علیهم السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۱۵-۱۱۶)، امام سجاد علیهم السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۷)، امام باقر علیهم السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۴)، امام صادق علیهم السلام (کشی، ۱۳۴۸: ۲۸۹)، امام کاظم علیهم السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۲۸)، امام رضا علیهم السلام (همان، ۱۲۹-۱۳۰)، امام عسکری علیهم السلام (طوسی، ۱۴۱۱: ۲: ۸۲۶) و امام زمان فرج‌الله‌تعالیٰ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۰۴-۵۰۵)، مکرر ثبت و ضبط گردیده است. قطع نظر از اجر اخروی برپایی مجالس سید الشهداء علیهم السلام، که در این روایات بر آن تأکید شده است، آثار وضعی و فواید دنیوی زیادی بر آن مترب است که همین امر، اهتمام پیوسته‌ی شیطان و جنود او را در سلب توفیق و ایجاد اختلال در بهره‌مندی مؤمنین از این عبادت شریف و عظیم، باعث گردیده است؛ چنانکه در برخی از مرثیه‌سرایی‌ها به بعضی از اخبار شاذ و نقل‌های نادر پرداخته می‌شود که از ساحت انوار مقدس اهل بیت علیهم السلام دور است؛ مانند نسبت دادن گشودگی مو و صورت از مخدّرات حرم امام حسین علیهم السلام در میان نامحرمان که با شئونات آل عصمت منافات دارد. از منظر علامه سنقری، اگرچه عقلائی و عادتاً صدور ظلم از ظالم نسبت به آل عصمت محال و ممتنع نیست، لکن اینکه خداوند متعال چنین ظلمی را نسبت به حرم و حی و رسالت تمکین نماید عقلاً ممتنع است. وقتی در بین مقاتل و نقل‌های عاشورایی چنین اخبار و مطالبی، باعث شبهه افکنی برخی مغرضان و شیوع سؤال برخی مؤمنان گردید، آیت الله شیخ محمد علی سنقری بر مبنای تکلیف، رساله‌ای در بیان صحیح نبودن این نسبت‌ها و منافات آن با خصوصیات آل الله علیهم السلام و شنیع بودن شهرت این نقل‌ها به تحریر



درآوردن بک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰. علامه سنقری حائری، این کتاب را با عنوان «العاصمیه» در اثبات عصمت خاندان وحی و پاسخ به شباهتی که با شئون آن ذوات مقدسه سازگاری ندارد، به زبان عربی انشاء و سپس خود، آن را ترجمه نمود که نسخه خطی آن توسط روح الله عباسی تصحیح و تحقیق و با عنوان «چهره‌گشایی دختران امام حسین علیهم السلام» در سال ۱۳۸۱ش به چاپ رسیده است. درباره‌ی موضوع این پژوهش، کتاب یا مقاله‌ای که به آن پرداخته باشد، یافت نشد و اساساً آثار آیت الله سنقری حائری، که بالغ بریست اثرمی باشد، به صورت خطی باقی مانده است و امید است این پژوهه، قدمی در معرفی این چهره‌ی ناشناخته شیعه و زمینه‌ساز پژوهش‌های گسترده‌تر در آثار ایشان، خصوصاً موضوع کشف حجاب مخدّرات حرم امام حسین علیهم السلام باشد.

سینه، پژوهشی جابرین عبدالله انصاری

۲. نقد و بررسی سندی کشف حجاب مخدّرات از منظر علامه سنقری حائری
کشف حجاب بنات رسول الله علیهم السلام از منظر علامه سنقری عقلایم ممتنع و با حکمت الهی و شرع مبین تعارض دارد و اساساً صورت و موى پر دگیان آل عصمت از نظر اجانب و نامحرمان پنهان مانده است و این نقل‌ها منتقل از منابع و مأخذ عامه هستند (همان، ۱۴۹). در ادامه به ذکر نقل‌های ابو مخنف، شیخ صدق، شیخ مفید، سید بن طاووس و علامه مجلسی در این زمینه می‌پردازیم و ادله‌ی نافی ادعای کشف رأس مخدّرات را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲. بررسی سندی روایت ابو مخنف در کشف رأس

در مقتل منتب بـ ابو مخنف از قول حضرت زینب علیهم السلام آمده است: «...كنت في ذلك الوقت واقفة في الخيمة، إذ دخل رجل أزرق العينين... وأخذ القناع من رأسي...» (ابو مخنف، بی تا: ۹۷-۹۸) که در آن به غارت مقنعه و گوشواره‌ی آن حضرت اشاره دارد. در بحار الانوار چنین ماجرایی در مورد حضرت ام كلثوم علیهم السلام نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵، ۶۰). در این باره، اسفراینی شافعی اشعری (۴۱۷م) از قول حضرت زینب علیهم السلام می‌نویسد: «...و نظر الى قرط كان في اذنى فعالجه و قرضه باسناته...» (اسفراینی، بی تا: ۱، ۵۳)



علامه سنقری در نقد و بررسی این نقل، به ضعف سندی آن اشاره می‌نماید کما اینکه بین منابع متقدم و معتبر اثری از این نقل نیست و در روایاتی که در کتب معتبره به نقل از ابو مخنف آمده است چنین خبری یافت نشد و این نقل تنها در نسخه‌ی مقتل منسوب به ابو مخنف آمده است که پژوهشگران تاریخ عاشورا آن را ضعیف و غیر قابل استناد می‌دانند (ن.ک: شرف الدین، بی‌تا: ۴۲-۴۱؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱۰). منبع متقدم دیگر و متضمن این نقل به وجه اقبح و اشنع، کتاب نور العین فی مشهد الحسین علیهم السلام است که برخی از محققان اساساً آن را ساختگی و منسوب به ابو سحاق اسفراینی دانسته‌اند (ن.ک: گروهی از تاریخ پژوهان، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۳۷) و بسیاری از گزارش‌های آن ساختگی، سخيف و ضعیف السندند (ن.ک: قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۳۵۲).

سال نوزدهم، شماره ۶، پیاپی ۱۳۱

۲-۲. بررسی سندی روایت شیخ صدوق از فاطمه بنت الحسین علیهم السلام در کشف رأس نقل دیگری که درباره‌ی کشف رأس از مخدّرات آمده است روایت شیخ صدوق است در امالی که ضمن آن آمده است: «...دَحَلَتِ الْغَانِمَةُ عَلَيْنَا الْفُسْطَاطَ وَأَنَا جَارِيٌّ صَغِيرَةً وَفِي رِجْلِي خَلْخَالٌ مِنْ ذَهَبٍ فَجَعَلَ رَجُلٌ يُفْضِّلُ الْخَلْخَالِينَ مِنْ رِجْلِي... وَأَنْتَهُبُوا مَا فِي الْأَثْبَنِيَّةِ حَتَّى كَانُوا يَنْزِعُونَ الْمَلَاحِفَ عَنْ ظُهُورِنَا» (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۶۵) و در آن به غارت خلخال از ایشان و غارت ملاحف از سرزن‌ها اشاره شده است. در بررسی روایان این سلسله:

«مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ»، امامی و ثقة جلیل (حلی، ۱۴۰۲: ۱۴۹)،
«عَلَيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَادِيِّ»، امامی و ثقة علی التحقیق (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۳)،
«أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ»، امامی، ثقة جلیل (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶)،
«مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِی»، امامی و ثقة (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۳)، اگرچه نجاشی او را «ضعیف فی الحديث» دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۵).

۱. متن اصلی مقتل ابی مخنف، بعد از قرن چهارم از بین رفته است و هم اکنون دونسخه‌ی مقتل به این نام شهرت دارد؛ یکی از این نسخه‌ها، کتابی غیر معتبر است که احتمالاً در قرن ششم جعل شده است (اسفندياری، ۱۳۹۱: ۴۲) و دیگری نسخه‌ای بازسازی شده از طریق جمع آوری نقل‌های طبری، شیخ مفید و... از ابو مخنف است که معتبر و قابل استناد است (ابومخنف، ۱۳۸۰: ۱۱).



«مُحَمَّدٌ بْنِ سِنَانٍ»، که بین علمای رجال درباره‌ی او اختلاف نظر دیده می‌شود، با عباراتی چون: ضعیف (طوسی، ۳۶۴: ۱۴۲۷)، کذاب (کشی، ۲: ۱۴۰۴، ۸۲۳)، فی بعض روایاته غلوو تخلیط (طوسی، ۴۰۶: ۱۴۲۰)، توصیف کرده‌اند و برخی نیز اورا ممدوح الروایه (کشی، ۲: ۱۴۰۴، ۷۹۲) و امامی صحیح المذهب (همان، ۷۹۶) دانسته‌اند.

«أَبِي الْجَارُودِ زَيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ» که اورا مذموم فی الروایة (همان، ۴۹۸)، زیدی (طوسی، ۴۰۶: ۱۴۲۰)، دانسته‌اند.

«عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسِينِ [الْحَسِينِ]» که صرفاً در کتب رجالی به زیدی مذهب بودن او اشاره شده است (کشی، ۲: ۱۴۰۴، ۶۳۲).

با توجه به آنچه در بررسی راویان این روایت بیان گردید، در ارزیابی کلی، این روایت از حیث اتصال، «موقوف»، که از اقسام حدیث ضعیف است و از نظر سند، ضعیف مهملاً محسوب می‌شود؛ چه اینکه در مورد راوی آخرین حدیث در کتب رجالی مدح و ذمی وارد نشده است.

۳-۲. بررسی سندی روایت حمید بن مسلم در کشف رأس

علامه سنقری روایت دیگری را از حمید بن مسلم نقل می‌کند که با بررسی آن بین متون مختلف مقتل دانسته می‌شود که آن را ابو مخنف به نقل از «صقعب بن زبیر» از «حمید بن مسلم» روایت کرده است. در این روایت آمده است: «...فَوَاللهِ لَقَدْ كُنْتُ أَرَى الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَائِهِ وَبَنَاتِهِ وَأَهْلِهِ تُنَازِعُ ثُوَبَهَا عَنْ ظَهْرِهَا حَتَّى تُغْلِبَ عَلَيْهِ...» (مفید، ۲: ۱۴۱۳). در بررسی رجالی راویان این روایت، مشاهده می‌شود که نجاشی و حلی، راوی اول این نقل یعنی أبو مخنف را «ثقة» دانسته‌اند (نجاشی، ۳۲۰، ۱: ۱۳۶۵، حلی، ۱۴۰۲: ۱۳۶). واما راوی دیگر «صقعب بن زبیر از دیگر راویان این روایت «حمید بن مسلم» که به عنوان عسقلانی، ۴: ۱۳۲۵، ۴: ۴۳۲) و نهایتاً راوی اصلی این روایت «حمید بن مسلم» که در سپاه توابین «اصحاب علی بن الحسين علیه السلام» (طوسی، ۱۱۲: ۱۴۲۷) یاد شده و گفته‌اند در سپاه توابین حضور داشته است (سید بن طاوس، ۱۶۷: ۱۴۲۲)؛ لکن علامه مامقانی درباره‌ی او می‌گوید: «ظاهراً امامی است اما حالش معجهول است» (مامقانی، بی‌تا: ۱، ۳۸۰). ناگفته نماند که



به نوشته‌ی فارس تبریزیان (حسون) در پاورقی لهوف، در تاریخ، دونفر به این نام بوده‌اند که یکی از آن‌ها همین حمید بن مسلم شناخته شده است که در کربلا در سپاه عمر سعد حضور داشته و از حاملان رأس مطهر امام حسین علیهم السلام به کوفه بوده و دیگری امامی و از اصحاب امام چهارم بوده و در قیام توابین حضور داشته است (ن.ک: سید بن طاووس، ۱۴۲۲: ۱۶۷). با توجه به آنچه بیان شد این روایت ضعیف به شماره‌ی رود چه اینکه اگر منظور از حمید بن مسلم، شخص اول باشد که شروحی در احوال او در بیان علماء آمده؛ از یاران این سعد بوده است و مورد اعتماد نمی‌باشد و اگر شخصیت دوم مراد باشد، مجھول است و گزارش معتبری از او در تاریخ، مکتوب نیست (ن.ک: نمازی، ۱۴۱۴، ۳: ۲۸۹).

۴-۲. بررسی سندی روایت فاطمه صغیری علیهم السلام در کشف رأس

علامه مجلسی در بحار روایتی را با جمله «رأيت في بعض الكتب» در شرح ماقع در غارت خیام از قول فاطمه صغیری علیهم السلام نقل می‌کند که در آن آمده است: «... فإذا برجل على ظهر جواده يسوق النساء بكعب رمحه ... فخرم أذني وأخذ قرطي و مقنعتي ... قلت يا عمته هل من خرقة أستربها... فقالت يا بنتاه وعمتك مثلك فرأيت رأسها مكسوفة ...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۴۵، ۶۰-۶۱). این روایت با عبارات «قد أخذ ما عليهن من أحمرة وأسوره» به کشف حجاب از زنان، با جمله «أخذ قرطي و مقنعتي» به غارت حجاب فاطمه صغیره علیهم السلام و با عبارات «رأيت رأسها مكسوفة» به کشف رأس حضرت زینب علیهم السلام اشاره دارد. در جستجوی منابع تاریخی این روایت، تنها منتخب طریحی^۱ به عنوان منبع علامه مجلسی یافت شد و در بررسی سندی، این روایت مجھول است و مدرک و سندی ندارد و چنانکه علامه مجلسی آن را با تعبیر «رأيت في بعض الكتب» نقل کرده، شیخ طریحی نیز این نقل را با عبارت «حکی» (طریحی، ۱۴۲۴: ۱۸۴) آورده است که نشانه بی سند بودن آن است.

۵-۲. بررسی سندی کشف رأس از زینب کبری علیهم السلام

طریحی در منتخب درباره‌ی ورود زینب کبری علیهم السلام به دارالاماره کوفه نقلی دارد که طی

۱. شیخ طریحی این روایت را در صفحات ۱۸۵-۱۸۴ نقل کرده است.



آن به کشف رأس از آن حضرت اشاره کرده است: «...دخلت... زینب بنت علي وهي متذكرة و عليها أرذل ثيابها... و تستر وجهها بكمها لأن قناعها أخذ منها...» (طريحي، ۱۴۲۴-۱۴۶۵: ۴۶۷). در تطبيق اين نقل با مأخذ متقدم به دست آمد که در نقل اين روایت، طبری، ابن اعثم کوفی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید بن طاووس و دیگران به عبارات «و تستر وجهها بكمها لأن قناعها أخذ منها» که دال برکشف رأس زینب کبری علیه السلام است متعرض نشده‌اند (ن.ک: طبری، ۱۳۸۷، ۵: ۴۵۷؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱، ۵: ۱۲۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۰، ۱۶۵؛ مفید، ۱۴۱۳، ۲: ۱۱۵؛ سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۶۰؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۲: ۶۳) و تنها اثری که در آن به این مضامون اشاره شده است مقتل ابو محنف (مشهور) است^۱ و چنانکه در مباحث قبل بیان شد پژوهشگران تاریخ عاشورا آن را ضعیف و غیرقابل استناد می‌دانند (ن.ک: شرف الدین، بی تا: ۴۱-۴۲؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱۰). علاوه بر آنچه بیان شد این روایت مجھول و بدون مدرک و سند است؛ چه اینکه در المنتخب و مقتل ابو محنف (مشهور)، برای آن سندی ذکر نشده است. ناگفته نماند، این نقل طريحي با جملات قبلی او تناقض دارد؛ چون در ابتدای ذکر ماقع ورود کاروان امام حسین علیه السلام به کوفه، می‌نویسد: «...فالتفتت زینب فرأت رأس أخيها فنطحت جبينها بمقدم المحمل حتى رأينا الدم يخرج من تحت قناعها...» (طريحي، ۱۴۲۴: ۴۶۵) و طی آن به بیتابی حضرت زینب علیه السلام از دیدن سر امام حسین علیه السلام و زدن پیشانی به محمول و جاری شدن خون از زیر قناع ایشان اشاره می‌کند؛ در حالیکه در ادامه نقل خویش با عبارات «تستر وجهها بكمها لأن قناعها أخذ منها» (همان، ۱۴۶۷) به بدون قناع بودن آن حضرت تصریح می‌کند. با توجه به دلایل پیش گفته این روایت از اخبار ضعیف و غیرقابل استناد محسوب می‌شود.^۲

آیه‌بندی
پژوهشگران عربی انصاری

- در مقتل منسوب به ابی محنف آمده است: «... و جعل يدخلون السّبابيَا علی ابی زیاد لعنه الله... و كانت زینب علیه السلام قد أخذ قناعها، و قرطاها وهي ناشرة الشّعر، وهي تستر رأسها بكمها...» (ابومحنف، بی تا: ۱۰۵).
- به دلیل اشکلات سندی و متنی که در این نقل وجود دارد، روایت مسلم جصاص از اخبار ضعیف محسوب می‌شود و از جانب محدثانی چون شیخ عباس قمی مورد تشکیک قرار گرفته است (قمی، ۱۴۲۲، ۱: ۷۲۹).



۶-۲. نقد روایت منقول از امام کلثوم علیهم السلام در نگاه نامحرمان به بنات الرسول علیهم السلام

سید بن طاووس وابن نما حلی در روایتی آورده‌اند: قَالَ الرَّاوِي: «... فَلَمَّا قَرُبُوا مِنْ دِمْشَقَ دَنَتْ أُمُّ كُلُّ ثُمَّ مِنْ شِمْرٍ... فَقَالَتْ لَهُ... إِذَا دَخَلْتَ بِنَاءَ الْبَلَدِ فَاخْمِلْنَا فِي دَرْبِ قَلِيلِ النَّظَارَةِ... فَقَدْ خُزِينَا مِنْ كَثْرَةِ النَّظَرِ إِلَيْنَا وَنَحْنُ فِي هَذِهِ الْحَالِ...» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۷۵؛ ابن نما حلی، ۹۷: ۱۴۰۶) که بعضی از اهل منبر و روضه، از عبارات این نقل بدون حجاب بودن وجه و رأس مخدّرات را استنباط کرده‌اند. در بررسی سند این روایت لازم به ذکر است که سید بن طاووس وابن نما حلی بدون ذکر راوی، خبر را نقل کرده‌اند و در تطبیق این روایت با منابع متأخری چون منتخب (طريحی، ۱۴۲۴: ۲۸۳)، به نام «سهل بن سعد ساعدی» برمی‌خوریم که اگرچه از نظر طبقه‌ی راویان، از صحابه‌ی رسول خدا علیهم السلام و امیر المؤمنین علیهم السلام محسوب می‌شود (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۰ و ۶۶) لکن در مورد او مدرج و یادمی به ثبت نرسیده است و به همین جهت این خبر، ضعیف مهملاً است.

۷-۲. بررسی سندی روایت صدوق در تعبیر «مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ»

شیخ صدوق روایتی را به صورت مُسند از حاجی عبیدالله بن زیاد نقل کرده است که به ورود اهل بیت امام حسین علیهم السلام به شام اشاره دارد؛ در حالی که حاجی به صورت نداشته‌اند. در این نقل آمده است: «... فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمْشَقَ أَذْخَلَ بِالنِّسَاءِ وَالسَّبَائِيَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۶۵). در بررسی سندی این روایت قابل ذکر است:

«مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقِ الطَّالقانِي» امامی و از مشایخ صدوق است لکن وثاقت او ثابت نیست (خوئی، ۱۳۷۲: ۱۵، ۲۳۱).

«عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلْوَدِی» و «مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِیَا بْنُ الدِّينَارِ الْغَلَبِی»؛ از جانب رجالیون توثیق شده‌اند (ن.ک: طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۰ و ۳۴۶). درباره «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَزِيدَ» نوشته‌اند «روی مضمرة» (خوئی، ۱۳۷۲: ۲: ۳۳۰) که از



اسباب ضعف اوست^۱(ن.ک: موسوی عاملی، بی تا: ۲۵۲، ۲: ۲۵۲) و شرحی از او در کتب رجالی یافت نشد.

واما دوراوی آخراین نقل: «أَبُونُعِيْمٍ» و «حَاجِبُ عَبْيَدِ اللّٰهِ بْنِ زِيَادٍ»، که هردو مجھول و در کتب رجالی از آن‌ها شرحی به دست نیامد.

با توجه به آنچه در نقد راویان این نقل بیان گردید، در ارزیابی کلی، این روایت از حیث اتصال، «مُسند» ولی از حیث سند، به جهت مجھول بودن دوراوی آخران، ضعیف مهم است و علامه سنقری درباره آن می‌نویسد: «بس است از ضعف منقول، مجھول بودن منقول عنہ» (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۹۵).

۳. نقد و بررسی متنی کشف حجاب مخدّرات از منظر علامه سنقری حائری

با توجه به اینکه علامه سنقری متون روایات مربوط به کشف حجاب مخدّرات را با دو ملاک ادلّه‌ی نقلی و ادلّه‌ی عقلی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد؛ در این قسمت از بحث ابتدا به ادلّه‌ی عقلی در رد کشف رأس از حرم امام حسین علیه السلام و سپس به ادلّه‌ی نقلی آن می‌پردازیم.

۳-۱. ادلّه‌ی عقلی^۲ نافی کشف رأس از بنات رسول الله علیه السلام

۳-۱-۱. تعارض با غیرت الهی

برای اثبات مغایرت کشف رأس از بنات رسول الله علیه السلام با غیرت الهی دو مقدمه لازم است که عبارت است از: اثبات عصمت حضرت زینب علیها السلام و دیگری اثبات غیر

۱. حديث مُضْمَرِ حَدِيثِي أَسْتَ كَهْ دَرَآنَ رَاوِيْ، نَامَ مَعْصُومَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَاذْكُرْنَكْرَهْ وَرَوْيَتْ رَابَا ضَمِيرَغَائِبَ بَا عَبَرَاتِيْ چُونَ: «كَتَبْتُ إِلَيْهِ» يَا «سَأَلْتُهُ» نَقْلَ كَرْدَهْ أَسْتَ (ما ماقانی، ۱: ۱۴۱۱، ۳۳۲). اسَاساً اضمِارَبَا عَثَ ضَعْفَ حَدِيثِي مَيْ شَوْدَ مَگَرَایِنَ کَهْ نَقْلَ كَنْدَگَانَ آنَ از راویانَ جَلِيلَ الْقَدْرِي چُونَ: «مَحْمَدُ بْنُ مُسْلِمٍ» وَ «زَرَارَه» باشند(N.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۸۹).

۲. در بررسی و نقد روایات بر اساس عقل، از روشهایی چون: عدم تعارض با عقل، عدم تعارض با واقعیت‌های تاریخی، عدم تعارض متون مشترک المضمون در این زمینه با یکدیگر، عدم تعارض با اصول اعتقادی و عدم دواعی جعل حدیث، که به عنوان روشهای نقد متن حدیث بر اساس ادلّه عقلی بیان شده است (ن.ک: فتح اللہی، ۱۳۹۴: ۵۰)، بهره خواهیم گرفت.



بودن خداوند متعال؛ لذا بعد از این مقدمات به ذکر ادله‌ی عقلی در اثبات این تعارض می‌پردازیم.

۱-۱-۳. اثبات عصمت حضرت زینب علیها السلام

علامه سنقری قائل است: آیه‌ی تطهیر (احزاب، ۳۳) علاوه بر دلالت بر عصمت اهل بیت علیهم السلام (ن.ک: سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۳، ۱۳۵-۱۳۴)، بر عصمت دیگر اولاد بطن حضرت زهرا علیها السلام، از جمله حضرت زینب علیها السلام دلالت دارد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۲-۵۴)؛ چه اینکه روایتی مُسنَد از «خَسْنُ بْنُ مُوسَى بْنِ عَلَيٍّ الْوَشَاءُ الْبَعْدَادِيُّ» نقل شده که در آن امام رضا علیه السلام فرمودند: «إِنَّ فَاطِمَةَ عَلِيَّاً أَحَصَنَتْ فَرِجَاهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ فَوَاللَّهِ مَا ذَاكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَالْحُسَينِ وَوُلْدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً...» (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۲۳۲). نیز روایت دیگری که شاهد بر عصمت زینب کبری علیها السلام است؛ روایتی مرسلاً از «حَذِيرَمْ بْنِ شَرِيكِ الأَسْدِيِّ»، به نقل از امام سجاد علیه السلام است که، پس از خطبه‌ی قراء ایشان در کوفه می‌فرمایند: «يَا عَمَّةٍ... وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٌ فَهِمَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٌ...» (طبرسی، ۳۰۵: ۲: ۱۴۰۳). این روایت به جهت اینکه به انکشاف تام حقایق همه‌ی اشیاء برایشان، بدون نیاز به معلم و مفهوم اشاره دارد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۷)، شاهدی بر عصمت آن حضرت است. دلیل دیگر بر عصمت زینب کبری علیها السلام این است که بنابر نقل شیخ صدق، مرجع وصیت امام حسین علیه السلام قرار گرفتند (ن.ک: ابن بابویه، ۱۳۶۵: ۵۰۱، ۲: ۱۳۹۵) و بر مبنای روایت «أَنَّ أَوْصِيَاءَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلِيهِ مُحَدَّثُونَ» (کلینی، ۱۴۰۳: ۲۷۰)، و محدثه کسی است که «تُحَدِّثُهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَفِيهِمْ جَبَرِيلُ عَلِيَّاً مِنْ غَيْرِ مَعَايِنَةٍ» (طبری، ۲۴۵: ۲: ۱۳۷۵)، لذا حضرت زینب علیها السلام محدثه است و این محدثیت، که

۱. اگرچه نزد علماء، اصل، عدم اعتبار مراسیل است، لکن مواردی استثناء شده است که شهرت عملی یا روایی و موافقت روایت مرسلاً با کتاب و سنت از آن جمله است (ربانی، ۱۳۸۹: ۲۱۲ و ۲۲۱). شیخ طبرسی خود در مقدمه کتاب الاحتجاج، اجماع بر وجود اخبار، موافقت با عقل و شهرت اخباری که آن‌ها را به صورت مرسلاً نقل کرده است، به عنوان دلیل این ارسال بیان می‌کند (ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۴)؛ لذا روایت منقول طبرسی به جهت شهرت روایی و موافقت با کتاب و سنت مورد پذیرش علماء قرار گرفته است.



مرتبه‌ای از مراتب وصایت بالغه‌ی محمدیه است، دلالت بر عصمت ایشان، در مراتب پایینتر از مرتبه‌ی ولایت مطلقه، دارد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۹-۶۰). دلیل دیگری که علامه سنقری با ذکر روایتی نادر، بر عصمت حضرت زینب علیها السلام اقامه می‌کند، «اختلاف محل ولادت» ایشان با سایر انسان‌هاست و اینکه آن حضرت از ران چپ مادر متولد گردیده‌اند (همان). متن این روایت عبارت است از: «وَلَدَتِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنْ فَخِذِهَا الْأَيْمَنِ وَأَمَّ كُلُّ ثُومٍ وَزَيْنَبَ مِنْ فَخِذِهَا الْأَيْسَرِ» (خصیبی، ۱۴۱۹: ۱۸۰). در نقد و بررسی این روایت لازم به ذکر است؛ این روایت مرسل است و سندی برای آن ذکر نشده است و از جهت متن با امهات مصادر حديث معتبر شیعه مغایرت دارد؛ چه اینکه روایات معتبر زیادی بر «ولادت معصومین علیهم السلام از بطون امهات» (ن.ک: صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۱؛ کلینی، ۱: ۱۳۶۵) ۳۸۶؛ البحرانی، ۱۴۱۳: ۶؛ ۱۸۵؛ عاملی، ۱۳۸۰: ۲۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵، ۴۳؛ قمی، ۱۴۲۹: ۱۵۳) اشاره دارند. دلیل دیگری که علامه سنقری بر عصمت زینب کبری علیها السلام بیان می‌کند، ترجیح آن حضرت در عبادات، ریاضت‌ها، مقام رضا و تسلیم و شدت مجاهدت‌ها، بر حضرت مریم علیها السلام است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۰-۶۱) که با توجه به اینکه در این دعوی ارجحیت، صراحتاً به ادله‌ی عقلی و نقلی خاصی استناد نمی‌کند، این دلیل اقامه شده وجه علمی ندارد. یکی دیگر از شواهد عصمت حضرت زینب علیها السلام، تصرف و نفوذ قدرت ایشان در جمادات است؛ چنانکه در روایات آمده است: قبل از شروع خطبه در کوفه، وقتی آن حضرت به مردم اشاره کردند که سکوت کنند، همه‌ی نفس‌ها حبس و جرس‌ها (زنگ‌هایی که برگردن چهارپایان آویزان می‌کنند)، ساکن و ساکت شدند (طبرسی، ۱۴۰۴، ۲: ۳۰۴). دلیل دیگر عصمت زینب کبری علیها السلام کمال قدرت ایشان در انشاء جوامع کلم و معالم احتجاجات در خطب صادره، از جهت جامعیت در فصاحت و بлагت و تالی کلام معصوم علیها السلام است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۲). و اما حفظ امام سجاد علیها السلام و به تبع آن حفظ عوالم امکان، شاهدی دیگر بر عصمت حضرت زینب علیها السلام است؛ چه اینکه در روایتی مسند و معتبر آمده است: حضرت زین العابدین علیها السلام با دیدن بدن‌های مطهر ابا عبدالله الحسین علیها السلام و دیگر شهدان زدیک بود جان از بدن‌شان مفارق تکند (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۱).



زینب کبریٰ علیہ السلام با ذکر روایت ام ایمن^۱ ایشان را تسلیت دادند. ناگفته نماند که منظور از عصمت دربارهٔ حضرت زینب علیہ السلام عصمت مصطلح که مختص چهارده معصوم علیہم السلام است، نمی‌باشد لکن در رتبه‌ای پایینتر از مقام ولایت، بالاترین مرتبه از مراتب عصمت به ایشان اختصاص دارد (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۹)؛ چنان‌که از القاب ایشان، عصمت صغیری است (محلاتی، ۱۳۷۵-۱۳۶۸: ۳، ۴۶).

۲-۱-۱-۳. اثبات غیرت الهی

سال نوزدهم، شماره ۶۷، پیاپی ۱۴۰۹

غیرت در لغت به معنای حمیت، تعصب و محافظت عصمت و ناموس و نگهداری عزت و شرف (ابن اثیر، ۴۰۱، ۳: ۱۳۶۷) آمده است و از صفات نفس است که نسبت دادن آن به خداوند متعال، اگر آثار آن اراده شود، جایز است؛ از این جهت آثار غیرت در ساحت خداوند متعال در حد اعلام است. علامه سنقری برای اثبات غیرت الهی به سه حدیث استناد می‌کند. در حدیث اول که از جهت ارزیابی سندی صحیح است آمده است که پیغمبر اکرم فرمودند: «...إِنْ سَعْدًا لِغَيْوَرْ، وَإِنَّي لِأَغْيِرُ مِنْ سَعْدٍ، وَاللَّهُ أَغْيِرُ مَنْ» (ابن اثیر، ۲۰۵، ۲: ۱۴۰۹) و در آن به اینکه خداوند متعال از همه مخلوقات خود غیورتر است اشاره می‌شود. حدیث دوم که آن نیزار جهت ارزیابی سندی صحیح است، مشتمل است بر داستان هجرت حضرت ابراهیم علیہ السلام که ذیل آیه «...إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيِّدِهِنَّ» (صفات، ۹۹) آمده، و طی آن به غیرت الهی اشاره شده است. در این روایت نقل شده: پس از نجات حضرت ابراهیم از آتش نمرود و تبعید ایشان به شام، وقتی‌که پادشاه قبطیان «عرارة»، به سوی ساره، همسر حضرت ابراهیم علیہ السلام دست دراز کرد، دستش خشک شد؛ لذا حضرت ابراهیم با اشاره به غیور بودن خداوند متعال فرمودند: «...إِنَّ إِلَهِي غَيْوُرٌ يَكْرَهُ الْحَرَامَ وَهُوَ الَّذِي حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَا أَرَدْتَ مِنَ الْحَرَامِ ...» (کلینی، ۸: ۱۳۶۵، ۳۷۰-۳۷۳). حدیث سوم به طرق مختلفی در منابع عامه، مثل صحیح بخاری (بخاری، ۱: ۱۴۱۵، ۵) و صحیح مسلم (مسلم،

۱. امام سجاد علیہ السلام می فرمایند: وقتی عمه ام زینب علیہ السلام با اشاره به عهدی بین رسول خدا علیہ السلام وجود پدر و عموم، من را تسلیت داد از ایشان درباره آن خبر پرسیدم: «...فَقَالَتْ نَعَمْ حَدَّثَنِي أُمْ أَيْمَنْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ علیه السلام زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ علیہ السلام فِي يَوْمِ مِنَ الْأَيَّامِ...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶-۲۶۰).



۱۴۱۲، ۱:۱۴۹) نقل شده است و در ابتدای آن به تردید رسول اکرم ﷺ در نزول وحی و ترس از دیوانگی اشاره شده است (عربی، ۱:۱۳۸۳، ۳۱۶) که حضرت خدیجه ؓ به توصیه‌ی ورقه بن نوفل، با کشف رأس و غیب شدن جبرائیل، واقعی بودن نزول وحی و پیامبری حضرت محمد ﷺ را اثبات می‌نماید (طبری، ۲:۱۳۸۷، ۳۰۲). روایاتی که متضمن نقل این داستان هستند، علاوه بر ضعف سندی با یکدیگر تعارض دارند، و مضمون آن‌ها بر جعل و تحریف عمدی برای کاستن از کرامت پیامبر اکرم ﷺ و عادی جلوه دادن ایشان، برای توجیه خلافت غیر معصومین و...، دلالت می‌کند (ن.ک: عاملی، ۲:۱۴۲۶، ۲۸۸-۳۱۳) چه اینکه آیات قرآن بر اطمینان قلبی رسول اکرم ﷺ دلالت می‌کند و مسلمان خداوند متعال کسی را که برای دریافت سرّ الهی آماده نباشد برای پیامبری انتخاب نمی‌کند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

نتیجه بحث: با توجه به دلایلی که در مقدمه‌ی اول پیرامون اثبات عصمت حضرت زینب کبری ؓ بیان شد، عصمت ایشان در مرتبه‌ای پایینتر از مراتب ولایت ثابت می‌شود؛ نیز در مقدمه‌ی دوم بر مبنای روایات اقامه شده، غیرت الهی به عنوان صفتی که آثار آن نسبت به ذات احادیث اراده می‌شود، ثابت می‌گردد و در نتیجه این دو مقدمه از نظر علامه سنقری، بر خداوند متعال که غیورترین وجود در عالم است؛ تمکین نگاه اجانب بر حرمی که، آن‌ها را از هرگونه رجس و پلیدی پاک کرده و آن‌ها را مقام عصمت داده است، در حالی که رأس و وجهشان حجابی ندارد، روانیست و چنین نسبتی به حرم الله و الرسول ﷺ عادتاً محال است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۷۰-۷۳)؛ چطور ممکن است خداوند متعال بر همسر حضرت ابراهیم ؓ غیرت کند ولی برناموس امیرالمؤمنین ؓ نه؟

۲-۱-۳. تعارض با حکمت الهی

اگرچه جهان مادی در مجموع نظام احسن و خیر است لکن وجود شر لازمه‌ی آن است چرا که به گفته ابن سینا: «آفات و شروری که عارض اشیای طبیعی می‌شود، ضروری عالم ماده و طبیعی است... عالم ماده نمی‌تواند خیر محض را پذیرد» (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۶۲)



وبه جهت مادی و طبیعی بودن، جای تراحم و تضاد است و امکان ندارد قوانین آن به گونه‌ی دیگری باشد و اگر امکان داشت، خداوند حکیم، عالم، قادر و خیرخواه مطلق، خلق می‌کرد (ن.ک: محمد رضایی، ۱۳۸۴: ۳۰). به تبع همین امر، امکان انجام اعمالی که منجر به ظلم می‌شود برای ظالم وجود دارد؛ از روی غرض عقلی و فایده و حکمتی است که با عدل الهی موافقت دارد؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «*ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ*
وَالْبَحْرِ إِمَّا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقُهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، ۴۱). با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد؛ شهادت امام حسین علیه السلام، سوختن و غارت خیمه‌ها و اسارت آل الله علیهم السلام، اگرچه از هرچه بتوان تصور کرد عظیم تراست، لکن برآن فایده‌هایی بی‌حد مترتب بوده است که همانا حفظ دین و شرع سید المرسلین علیه السلام و اتمام حجت برامت از جمله‌ی آن‌ها است؛ ولی بریشتر از آن، یعنی گشادگی رو و کشف موی مخدرات، حکمت، فایده و غرضی متصور نیست و تمکین این‌گونه اذیت‌ها، لغو و عبت می‌باشد و برآن هیچ مصلحت پنهان و آشکاری شمول ندارد (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۶). و دیدن کشف رأس مخدرات از جانب امام زین العابدین علیه السلام، که کاملترین شخص عالم و داناترین آن‌ها به حسن و قبح امور است، و در عین حال امضای آن محال است چرا که شرع، قبیح ذاتی را تأیید نمی‌کند (همان، ۷۹).

۲-۳. ادله‌ی نقلی^۱ نافی کشف رأس از بنات رسول الله علیه السلام

۱-۲-۳. آمادگی اهل حرم قبل از حمله و غارت خیمه‌ها

با تأمل در اخبار رسیده پیرامون وداع امام حسین علیه السلام و وقایع شام عاشرماه، شواهدی به دست می‌آید که آل الله علیهم السلام قبل از غارت خیمه‌ها، برای این امر آماده بوده‌اند؛ چه اینکه بنا بر نقل شیخ مفید، امام حسین علیه السلام به یارانشان فرمودند: «...أَنْ يُقَرِّبَ بَعْضُهُمْ بُيُوتَهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَأَنْ يُدْخِلُوا الْأَطْنَابَ بَعْضَهَا فِي بَعْضٍ وَأَنْ يَكُونُوا بَيْنَ الْبُيُوتِ ...» (مفید، ۱۴۱۳، ۲: ۹۴).

۱. در ارزیابی روایات با استفاده از ادله‌ی نقلی در نقد الحدیث، غالباً تعارض یا عدم تعارض روایات، با قرآن، سنت (احادیث قابل اعتماد)، سیره و روش معصومین علیهم السلام و شأن معصوم علیهم السلام مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد (ن.ک: فتح الله‌ی، ۱۳۹۴: ۴۸-۴۹) که در این قسمت بحث از برخی از آن‌ها بهره می‌گیریم.



این نقل، برپیش‌بینی حمله‌ی لشکر دشمن بر خیمه‌ها و آماده‌سازی اهل حرم برای این امر دلالت می‌کند و در بررسی سندی، این روایت، به جهت اینکه منقول از ابو مخنف است و او نیزار حارث بن کعب و ابوالضحاک از علی بن الحسین علیهم السلام نقل کرده است (طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۴۲۰)، مسنده و قابل استناد می‌باشد.

شاهد دیگر برآمادگی اهل حرم قبل از غارت، روایتی است که در دنباله‌ی روایت حضرت زینب علیهم السلام از ام ایمن آمده است که حضرت زینب علیهم السلام هنگام مواجهه‌ی امام سجاد علیهم السلام با ابدان مطهر شهداء برای ایشان روایت کردند (ن.ک: ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۵-۲۶۶) و طی آن امیر المؤمنین علیهم السلام لحظاتی قبل از شهادت از اسارت زینب کبری علیهم السلام و دختران اهل او اشاره کرده و ایشان را توصیه به صبر می‌نماید. در بررسی سندی این روایت دانسته شد؛ ابن قولویه قمی روایت خود را به صورت مسنده با ذکر تمام حلقه‌های آن آورده است و روایان این سلسله عبارتند از: «جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُولَوِيْهِ»؛ امامی و ثقة جلیل (حلی، ۳۱: ۱۴۰۲)، «عَبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ»؛ که در کتب رجالی صرفاً به کوفی بودن او اشاره شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۲)، «سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ»، «مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامٍ»، «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيُّ» و «عِيسَى بْنُ أَبِي شَيْبَةَ»؛ که در کتب رجالی از آن‌ها مدح و ذمی یافت نشد، «نُوحُ بْنُ دَرَّاجٍ»؛ امامی صحیح المذهب (حلی، ۳۴: ۱۴۰۲)، «فُدَامَةُ بْنُ زَائِدَةَ»؛ از اصحاب امام صادق علیهم السلام (طوسی، ۱۴۲۷: ۲۷۲) و ثقه (ابن حبان، ۱۳۹۳-۱۳۹۵: ۷)، «زَائِدَةُ بْنُ قُدَامَةُ»؛ که از او به عنوان اصحاب امام باقر علیهم السلام (طوسی، ۱۴۲۷: ۱۳۶) و پدر او «زَائِدَةُ بْنُ قُدَامَةُ»؛ که از او به عنوان اصحاب امام باقر علیهم السلام (طوسی، ۱۴۲۷: ۲۷۳۶) یاد شده است. با توجه به آنچه در بررسی راویان این روایت بیان گردید، در ارزیابی کلی، این روایت از حیث اتصال، «مسند» و از نظر سند، ضعیف مهم محسوب می‌شود؛ چه اینکه چهار راوی از راویان این حدیث در کتب رجالی مدح و ذمی وارد نشده است. با این حال چون کامل الزیارات از اصول معتبر و مشهور میان فقهای شیعه است (مجلسی، ۱: ۱۴۰۴، ۲۷)، و ابن قولویه همه‌ی راویان آن را توثیق کرده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴)، دانشمندان شیعه به روایاتی که در سلسله سندهای کامل الزیارات آمده اعتماد کرده‌اند (پاک نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۷)، اگرچه در کتب رجالی نامی



از آن‌ها نباشد. به همین جهت روایات منقول از شیخ مفید وابن قولویه، قابل استناد می‌باشند و با استناد به آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت؛ اهل بیت امام حسین علیهم السلام از قبل مهیاً حمله‌ی دشمن به خیمه‌ها بوده‌اند.

۲-۲-۳. هیبت و ابهت زینب کبری علیهم السلام

دلیل نقلی دیگری که علامه سنقری برنفی کشف رأس مخدارت اقامه کرده است، ابهت نورانی والهی زینب کبری علیهم السلام و مخدرات حرم امام حسین علیهم السلام است که در روایات مختلفی به آن اشاره شده است. در این قسمت از بحث این روایت‌ها را نقل و سپس به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم. از جمله این اخبار، نقلی است که به اضطراب ولرزیدن بدن عمر سعد براثر صیحه و بكاء زنان حرم، هنگام حمله به خیمه زین العابدین علیهم السلام اشاره دارد (طريحی، ۱۴۲۴: ۴۵۶). این نقل طريحي ضعيف السند است؛ چه اينکه سلسه سندي برای آن ذكرنشده و در منابع متقدم اثری از آن نیست.

نقل دیگر، مربوط به حرکت کاروان حسینی از کربلا به سمت کوفه و سوارشدن اهل بیت امام حسین علیهم السلام برناقه هاست که حضرت زینب علیهم السلام خطاب به عمر سعد فرمود: «... سُوَّدَ اللَّهُ وَجْهُكَ يَا ابْنَ سَعْدٍ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ تَأْمِرُهُؤُلَاءِ الْقَوْمَ بِأَنْ يَرْكَبُونَا وَنَحْنُ وَدَائِعُ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْ لَهُمْ يَتَبَاعِدُونَ عَنِّا حَتَّى يَرْكَبُ بَعْضُنَا بَعْضًا...» (شیروانی، ۱۴۱۵: ۲۱۶)، (شیروانی، ۱۴۱۵: ۲۱۶) و براثر این نهیب، عمر سعد به لشکریان خود دستور داد: «... فَتَنَحَّوْا عَنْهُنَّ...» (همان) (... آن‌ها را رها کنید ...). ملا آقای دربندي سند این خبر را اينگونه بيان می‌دارد: «... فَهَذِهِ الرِّوَايَةُ قَدْ حَدَّثَنِي بِهَا بَعْضُ الْقَوْمَاتِ الْأَدْبَاءِ الشَّعْرَاءِ مِنْ تَلَامِذَتِي مِنَ الْعَرَبِ ...» (همان، ۱۴۲۷). با توجه به نحوه استناد روایت مذکور که اشاره دارد به اینکه، فاضل دربندي آن را از بعضی از شاگردانش روایت کرده که آن‌ها هم در مجموعه‌ای که منسوب به روضه خوانی بوده است دیده‌اند که در آن از عبدالله بن سنان و او از پدرش واژ‌جذش که قاصد کوفه بوده است نقل شده است؛ نشانه‌ی جعلی بودن آن است (ن.ک: نوري، ۱۴۲۰: ۲۶۳-۲۶۴). علاوه بر این ابتدایی روایت نیز به خروج امام حسین علیهم السلام و اهل بیتشان از مدینه، به هیبت ملوک و پادشاهان اشاره دارد که با سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام مباینت دارد (همان).

از جمله شواهد دیگر بر عظمت و مهابت زینب کبری علیهم السلام، تصرف آن حضرت بر



قلوب و ساکت شدن هزاران نفر هنگام خواندن خطبهٔ سراسر، سرزنش و توبیخ قاتلین سید الشهداء علیهم السلام در کوفه است (ن.ک: طبرسی، ۲: ۳۰۵، ۳: ۱۴۰). اگرچه شیخ طبرسی این روایت را به صورت مرسل نقل کرده است؛ لکن به جهت ثقه بودن ایشان از منظر علماء، اجماع بروجود این خبر نزد ثقات و مقبولیت آن نزد ایشان؛ این روایت قابل استناد است. روایت دیگری که دال بر شوکت حضرت زینب علیها السلام در مقابل دشمنان است، سخن ایشان در دارالاماره کوفه، بعد از سخن جبرگرایانه ابن زیاد: «کیف رأیت صنع الله بأخيك وأهل بيتك؟» (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ۵: ۱۲۲) است که خطاب به او فرمود: «ما رأیت إلا جميلا ... ثكلتك أملك يا ابن مرجانة!» (همان) ای پسر مرجانه! مادرت به عزایت بشینند. در برخی منابع آمده است حضرت او را با عبارات «... يا عدو الله! يا ابن الدعى! ...» مورد خطاب قرارداد (شیروانی، ۱۴۱۵، ۳: ۳۴۶). این روایت را ابن اعثم بدون ذکر سلسله سند آورده است ولی با تطبیق آن با منابع قبل از الفتوح، دانسته می‌شود که غالب متن روایت، منقول از ابو مخنف است و به جهت اینکه شیوه تاریخ نویسی ابن اعثم ترکیبی^۱ بوده است، جزئیاتی به نقل ابو مخنف افزوده است. با توجه به استفاده ای ابن اعثم از نقل‌های فرقین وارائه گزارش بی‌طرفانهٔ تاریخ عاشورا، نقل‌های او در جایگاه اعتبار قرار گرفته است (رحمان ستایش، ۱۳۸۹: ۸۷-۸۸) و این روایت نیز به جهت شهرت روایی و عدم تعارض با ادلهٔ عقلی و نقلی قابل استناد است.

نقل دیگر، روایت سهل بن سعد، هنگام مواجههٔ با آن حضرت در شام است (بهبهانی، ۱۴۰۸، ۵: ۸۳) و طبق این نقل، حضرت برسهل، صحیحه‌ای زد و او براثر آن بیهوش شد. چنین نهیبی از جانب زینب کبری علیها السلام و به تبع آن چنان اثری، نسبت به مردی از شیعیان نیز در تاریخ ثبت شده است^۲ (همان، ۴۶-۴۷). این روایت را بهبهانی از نسخهٔ کتابی مجعلون که به ابو مخنف نسبت داده شده است (اسفندياري، ۱۳۹۱: ۴۲) نقل کرده؛ به همین دلیل از درجهٔ اعتبار ساقط است.

شاهد دیگر برهیبت و شوکت زینب کبری علیها السلام کلامی است در مقابل یزید از آن

۱. در شیوه ترکیبی، مورخ روایات گوناگون را با هم ترکیب می‌کند و در قالب یک روایت نقل می‌کند.

۲. این روایت راجع به فرد دیگری غیر از سهل ساعدی آمده است.



بانوی مکرمه صادر شد (طبرسی، ۲:۱۴۰۳، ۳۰۸) و طی آن به سنت املاء واستدراج الهی و جنایات هند، جدهی یزید، در جنگ احـد اشاره می‌کند و قوت قلبی در زینب کبری علیہ السلام به قدری است که در این فقرات، یزید را کوچک و ذلیل می‌شمارد و می‌فرماید: «... وَ مَا أَسْتِصْغَارِيْ قَدْرَكَ وَ لَا أَسْتِعْظَامِيْ تَقْرِيْعَكَ تَوْهُمًا لِأَنْتِ بَاجِعُ الْخَطَابِ فِيْكِ ...» (همان، ۳۰۹). قطع نظر از فصاحت و بلاغت این خطبه، اینکه یزید، با شنیدن سخنان حضرت زینب علیہ السلام، که به کفراو، پدر، اجداد و پیروانش و خبردادن از نابودی سلطنتش، اشاره داشت، نتوانست سخنان آن حضرت را قطع کند و با تمام شقاوت و طغیانگری که داشت، نتوانست دستور قتل آن حضرت را صادر کند؛ نشانه‌ی تأثیرهیبت و سطوت الهیه‌ی زینب کبری علیہ السلام براوست (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۵۴-۱۶۵).

با توجه به نقد و بررسی روایاتی که علامه سنقری به آن‌ها احتجاج کرده است و با ملاحظه‌ی عدم اعتبار برخی از روایات مورد استناد ایشان؛ با این حال با شواهد و اخبار ارائه شده‌ی دیگر، که اعتبارشان مورد پذیرش عالمان مقتول و تاریخ عاشورا قرار گرفته است؛ ثابت می‌شود که جذبه، شوکت، حشمت و عظمت این بانوی مکرمه، مانع از کشف رأس مخدّرات حرم امام حسین علیہ السلام بوده است.

۳-۲-۳. کجاوه‌های آل الله علیہ السلام روپوش داشته است

از دیگر ادله‌ی نافی کشف رأس حرم آل الله علیہ السلام، این است که آنان اگرچه در بند اسارت بودند لکن با توجه به عظمت و ابهت الهی که داشتند حریم‌شان حفظ گردید. علامه سنقری به عنوان مقدمه این دلیل، به فرازی از خطبه‌ی حضرت زینب علیہ السلام در کوفه اشاره کرده است (طبرسی، ۲:۱۴۰۳، ۳۰۵). که طی آن اشاره دارد به اینکه امام سجاد علیہ السلام بعد از خطبه زینب کبری علیہ السلام از مرکب فرود آمدند و خیمه‌ها را برقا کردند، سپس مخدّرات را پیاده نمودند و آن‌ها داخل خیمه شدند. این نقل دلالت می‌کند براینکه، اساساً جلالت و حرمت آل الله علیہ السلام بر جا بوده است. علامه سنقری بعد از این مقدمه به اخباری می‌پردازد که به روپوش داشتن کجاوه‌های پیام آوران کربلا اشاره دارد. در این شواهد، روایتی مشتمل



بر خطبه‌ی ام کلثوم^{علیه السلام}، هنگام ورود به کوفه آمده است: «... وَخَطَبَتْ أُمُّ الْكُلُّومِ بِنْتُ عَلِيٍّ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ وَرَاءِ كَلْتَهَا ...» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۴) که به خطبه خواندن آن حضرت از پشت پرده‌ی کجاوه اشاره دارد. شاهد دیگر براین مدعی نقل دینوری در اخبار الطوال است که می‌نویسد: «... وَأَمْرَعْمَرِينَ سَعْدَ بِحَمْلِ نِسَاءِ الْحَسِينِ، وَ... فِي الْمَحَامِلِ الْمَسْتَوْرَةِ عَلَى الْإِبْلِ...» (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۹؛ عنہ ابن عدیم، بی‌تا: ۶، ۲۶۳۰؛ سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۴) و صراحتاً بر مستور بودن محمولها اشاره دارد. این روایات شاهدی است براین مدعی که خداوند متعال که راضی نمی‌شود کجاوه‌ی زنان بدون پوشش در منظر دشمنان قرار بگیرد، چگونه به کشف رئوس و نشر شعور آنان راضی خواهد شد (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۶۵). ناگفته نماند آنچه مشهور است که بازماندگان کربلا بر ناقه‌ی عریان طی مسیر کرده‌اند مستند به روایاتی است مرسل، که در منابع متقدمی چون فتوح ابن اعثم (ن.ک: ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵، ۱۲۷) و لهوف سید بن طاووس (ن.ک: سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۴۲) نیز آمده است و محدث قمی آن را مطابق با مقاتل معتبر دانسته است (ن.ک: قمی، ۱: ۱۴۲۲، ۷۲۹). وجه جمع بین روایات مورد استشهاد علامه سنقری و نقل مشهور، که هردو دسته در یک سطح از جهت اعتبار قرار دارند، لکن برخی از محمول‌های دختران صغیر و کنیزان بی‌پرده بوده است (ن.ک: سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۷۰)؛ ولذا دسته‌ی اول روایات به مستور بودن محمول مخدرات و دسته‌ی دوم به بی‌پوشش بودن محمول اطفال صغیر و جواری اشاره دارد.

۴. نتیجه گیری

۱. نقل‌هایی که درباره کشف حجاب بنات رسول الله در منابع تاریخی و مقاتل آمده است، غالباً از نظر سندی ضعیف و غیرقابل استناد هستند. کما اینکه از روایت منقول

۱. علامه سنقری در کتاب خود این نقل را درباره خطبه فاطمه صغیری^{علیه السلام} آورده است؛ ولی با تبع در منابع این نقل راجع به خطبه ام کلثوم^{علیه السلام} آمده است (ن.ک: سید بن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۴؛ عنہ: حائری، ۱۴۱۸: ۲: ۳۵۹، ۳۶۰؛ و المجلسي، ۱۴۰۴: ۱۱۲، ۴۵؛ البهبهاني، ۱۴۰۸: ۵، ۴۱؛ القمي، ۱۳۷۹: ۳۶۳؛ الأمين، ۱۴۰۳: ۴۸۵ و...).



حضرت زینب علیها السلام، که در مقتل جعلی و منسوب به ابومحنف آمده است، در منابع متقدم و معتبر خبری نیست.

۲. روایت شیخ صدوق از فاطمه بنت الحسین علیهم السلام، از حیث اتصال، «موقوف» و از نظر سند، ضعیف مهمل است.

۳. روایت حمید بن مسلم: «... لَقَدْ كُنْتُ أَرِي الْمَرْأَةَ ... تُنَازَعُ ثُوَبَهَا عَنْ ظَهْرِهَا حَتَّى تُغْلِبَ عَلَيْهِ ...» ضعیف به شمار می‌رود.

۴. روایت علامه مجلسی از فاطمه صغیری علیها السلام: «... إِذَا بَرَجَ ... قَدْ تَبَعَنِي ... فَخَرَمَ أَذْنِي وَأَخْذَ قَرْطِي وَمَقْنِعِي ...» مجھول است و مدرک و سندی ندارد.

۵. نقل طریحی درباره‌ی ورود زینب کبری علیها السلام به دارالاماره کوفه: «... تُسْتَرُ وَجْهَهَا بِكُمْهَا لَأَنْ قَناعَهَا أَخْذَ مِنْهَا ...» مجھول و بدون مدرک و سند است و با روایت دیگراو: «... حَتَّى رَأَيْنَا الدَّمْ يَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ قَناعِهَا ...» که به قناع داشتن زینب کبری علیها السلام هنگام ورود به کوفه اشاره دارد، متعارض است.

۶. روایت سید بن طاووس از حضرت ام کلثوم علیها السلام هنگام ورود به شام: «... فَقَدْ خُرِبَ مِنْ كَثْرَةِ النَّظَرِ إِلَيْنَا وَنَحْنُ فِي هَذِهِ الْحَالِ ...» ضعیف مهمل است.

۷. روایت شیخ صدوق از حاجب عبید الله بن زیاد: «... فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمْشَقَ أُدْخَلَ بِالنِّسَاءِ وَالسَّبَائِيَا بِالْهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ ...» از حیث اتصال، مُسند است ولی از حیث سند، به جهت مجھول بودن دوراوی آخران، ضعیف مهمل است.

۸. برپایه‌ی ادله‌ی عقلی، برخداوند متعال که غیورترین وجود در عالم است؛ تمکین نگاه اجانب بر حرمی که، آن‌ها را از هرگونه رجس و پلیدی پاک کرده و آن‌ها را مقام عصمت داده است، در حالی که رأس و وجهشان حجابی ندارد، روانیست.

۹. شهادت امام حسین علیها السلام، سوختن و غارت خیمه‌ها و اسارت آل الله علیهم السلام، اگرچه از هرچه بتوان تصور کرد عظیم تر است، لکن برآن فایده‌هایی بی حد مترتب بوده است، ولی به هیچ وجه بر بیشتر از آن، یعنی گشادگی رو و کشف موی مخدرات، حکمت، فایده و غرضی متصور نیست و تمکین اینگونه اذیت‌ها، لغو و عبت می‌باشد و برآن هیچ مصلحت پنهان و آشکاری شمول ندارد.

۱۰. براساس ادله‌ی نقلی: آمادگی اهل حرم قبل از حمله و غارت خیمه‌ها، ممانعت



هیبت وابهت زینب کبری علیہ السلام از بردن حجاب‌های ضروری اهل حرم و روپوش داشتن کجاوه‌های آل الله علیہ السلام، نافی چهره گشایی از اهل حرم امام حسین علیہ السلام است.

منابع

ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر.

ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش)، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد، (۱۴۱۱ق)، كتاب الفتوح، تحقيق علی شیری، ط اولی، بیروت، دار الأضواء.

ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، (۱۴۰۰ق)، أمالی الصدوق، بیروت، انتشارات أعلمی.

.....، عيون أخبار الرضا علیہ السلام، تهران، نشر جهان.

.....، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران آنتشارات اسلامیه.

ابن حبان، محمد، (۱۳۹۵-۱۳۹۳ق)، الثقات، بیروت، مؤسسه الكتب الثقافية.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۳۲۵ق)، تهذیب التهذیب، بیروت، دار صادر.

ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۴۰۴ق)، التعليقات، قم، مكتب الإعلام الإسلامي، مركز النشر.

ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ایطالب، قم، انتشارات علامه.

ابن عدیم، عمر بن احمد، (بی تا)، بغية الطلب فی تاريخ الحلب، بیروت، دار الفکر.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ق)، کامل الزيارات، نجف، انتشارات مرتضوی.

ابن مشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ق)، المزار الكبير، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامي.

أبو مخنف، لوط بن یحیی، (بی تا)، مقتل أبي مخنف (المشهور)، طهران، انتشارات أعلمی.

.....، (۱۳۸۰ش)، مقتل أبي مخنف، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه اللہ علیہ.

آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، کفایة الاصول، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمہ فی معرفة الائمه، تبریز، کتابفروشی بنی هاشمی.

اسفندياری، محمد، (۱۳۹۱ش)، کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیہ السلام، قم، صحیفه خرد.

البحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۳ق)، مدینة المعاجز: الأنمة الأنثى عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.

بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، صحیح البخاری، قاهره، وزارة الاوقاف.

بهبهانی، محمد باقر بن عبدالکریم، (۱۴۰۸ق)، الدمعة الساکبة فی أحوال النبی علیہ السلام و العترة الطاهرة، منامه، مکتبة العلوم العامة.



پاک نیا، عبدالکریم، (۱۳۸۷ش)، «آشنایی با منابع دست اول شیعه (۲)؛ کامل الزيارات»، سال دهم، شماره ۱۵۶.

حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۲ق)، رجال العلامة الحلی، قم، انتشارات الشریف الرضی.

خصبیبی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۹ق)، الهدایة الكبری، بیروت، مؤسسه البلاغ.

خوارزمی، موفق بن احمد، (۱۳۸۱ق)، مقتل الحسین علیہ السلام، قم، انتشارات انوار الهدی.

خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۲ش)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواۃ، بیجا، بینا.

الدینوری، احمد بن داود، (۱۳۶۸ش)، الاخبار الطوال، قم، منشورات الرضی.

ربانی، محمد حسن، (۱۳۸۹ش)، بررسی اعتبار حدیث مرسل، قم، بوستان کتاب.

رحمان ستایش، محمد کاظم، رفتت، محسن، (۱۳۸۹ش)، روایات عاشورائی الفتوح ابن اعثم کوفی در میزان نقد و بررسی، فصلنامه ی حدیث پژوهی، سال دوم، شماره ۳.

سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵ش)، فروع ابدیت، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم علیہ السلام، قم، بوستان کتاب.

سنقری حائری، محمد علی، (۱۳۸۱ش)، چهره گشایی دختران امام حسین علیہ السلام، قم، انتشارات چاف.

سید بن طاووس، سید علی بن طاووس حسینی حلی، (۱۴۲۲ق)، ترجمه لهوف، مترجم، ابوالحسن میر ابوطالبی، محقق: فارس تبریزیان، قم، انتشارات دلیل ما.

.....، (۱۳۴۸ش)، اللهوف علی قتلی الطفووف، تهران، انتشارات جهان.

سید مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۱۰ق)، الشافی فی الامامة، تهران، مؤسسه الصادق علیہ السلام.

شرف الدین، عبدالحسین، (بی تا)، مؤلفو الشیعة فی صدر الإسلام، بغداد، مکتبة الأندرس.

شیروانی، آغا بن عابد، (۱۴۱۵ق)، إکسیر العبادات فی أسرار الشهادات، کربلای معلی، العتبة الحسینیة المقدسة، قسم الشؤون الفکریة والثقافیة.

صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی علیہ السلام.

طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، انتشارات مرتضی.

طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم والمملوک، بیروت، دار التراث.

طریحی، فخرالدین محمد، (۱۳۷۵ش)، مجتمع البحرين، تهران، انتشارات مرتضی.

.....، (۱۴۲۴ق)، المنتخب للطیرحی فی جمع المراثی و الخطب المشتهرب: الفخری، چاپ اول، بیروت - لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۷ق)، رجال الطوسی، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.

.....، (۱۴۲۰ق)، فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین و أصحاب الأصول، قم، مکتبة المحقق الطباطبائی.

.....، (۱۴۱۱ق)، مصباح المتھجد، بیروت، مؤسسه فقه شیعه.

عاملی، سید جعفر مرتضی، (۱۴۲۶ق)، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، قم، دار الحديث.



- عاملی، شیخ حزیر، (۱۳۸۰ش)، *الجوهار السنی*، تهران، انتشارات دهقان.
- عربی، حسین بن علی، (۱۳۸۳ش)، *تاریخ تحقیقی اسلام*، قم، مؤسسه امام خمینی.
- فتح اللہی، ابراهیم، (۱۳۹۴ش)، *روش شناسی نقد حدیث* (نقد متن محور براساس ادله عقلی)، دو فصلنامه مطالعات روش شناسی دینی، سال دوم، شماره اول.
- قاضی طباطبایی، محمد علی، (۱۲۸۳ش)، *تحقيق درباره اول اربعین* حضرت سید الشهداء علیهم السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- قمی، شیخ عباس، (۱۴۲۹ق)، *الأثار البهية في تاريخ الحجج الإلهية*، قم، المكتبة الحیدریة.
-، (۱۴۲۲ق)، *منتھی الامال في تواریخ النبی والآل* (صلوات الله و سلامه علیهم)، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم.
-، (۱۳۷۹ش)، *نفس المهموم في مصيبة سیدنا الحسین المظلوم*، قم، المکتبة الحیدریة.
- کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ق)، *اختیار معرفة الرجال*، قم، مؤسسه آل البيت لایحاء التراث.
-، (۱۳۴۸ش)، *رجال الكشی*، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران، انتشارات اسلامیه.
- گروهی از تاریخ پژوهان، زیرنظر مهدی پیشوایی، (۱۳۹۱ش)، *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء علیهم السلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیهم السلام.
- مامقانی، عبدالله، (بی‌تا)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، نجف، بی‌نا.
- مجلسی، مولی محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴ق)، *بحار الأثار الجامعة لدرر أخبار الأنمة الأطهار علیهم السلام*، تهران، انتشارات اسلامیه.
- محلاتی، ذیح اللہ، (۱۳۷۰-۱۳۶۸ش)، *ریاحین الشریعة در ترجمه بانوان دانشمند شیعه*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- محمد رضایی، محمد، (۱۳۸۴ش)، «مسئله شروهای حل‌های آن»، فصلنامه پژوهش‌های دینی (نام کنونی: پژوهش‌های فقهی)، سال اول، شماره سوم.
- مسلم، مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، *صحیح مسلم*، قاهره، دارالحدیث.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، مؤسسه آل البيت لایحاء التراث، المؤتمرون العالمی لآلیة الشیخ المفید.
- الموسوی العاملی، محمد بن علی، (بی‌تا)، *مدارک الاحکام*، قم، مؤسسه آل البيت لایحاء التراث.
- نجاشی، أبي العباس أحمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، *رجال النجاشی*، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
- نمایزی، علی، (۱۴۱۴ق)، *مستدرکات علم رجال*، تهران، مطبعة حیدری.
- نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۲۰ق)، *لؤلؤه مرجان*; معیاری برای سخن و سخنرانی، تحقیق و تعلیق مصطفی درایتی، بی‌جا، احمد مطهری.